

فراخوان سمینار «نقش آموزش عالی در سیاست گذاری رفاه و تامین اجتماعی»

موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی به مناسبت هفته پژوهش، همایش «نقش آموزش عالی در سیاست گذاری رفاه و تامین اجتماعی» را بر گزار می کند. اساتید، محققان، مترجمان، دانشجویان و ایده پردازان در حوزه رفاه و تامین اجتماعی می توانند آثار علمی خود را شامل ایده های نو، تالیف، گردآوری و ترجمه (چاپ شده در نشریات علمی پژوهشی داخلی یا خارجی در فاصله زمانی سال های ۹۰ الی ۹۴) حداکثر تا تاریخ ۱۵/۹/۹۴ در سامانه «هفته پژوهش موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی» به نشانی اینترنتی www.ssor.ir بارگذاری کنند و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۷۵۳۳۴۵ دبیر خانه هفته پژوهش تماس حاصل فرمایند. این سمینار در تاریخ ۲۹ آذرماه در سالن ابن خلدون دانشگاه تهران برگزار می شود.

یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۴ ● شماره سی و سه

A T I V E H N



رامتریک این سن بالا رود تا صندوق های بازنشستگی به تعادل برسدن

از نیروهای باتجربه بیشتر استفاده شود، کارآمدی و بهره‌وری سازمانی بالاتر خواهد رفت و برعکس، بنابراین اگر سن بازنشستگی و سابقه کار افزایش یابد، هر چقدر هم در نگاه اول با موضع گیری هایی همراه شود، از نظر نگاه اقتصاد سازمانی نه تنها اشکالی ندارد بلکه به رشد و تعالی سازمانی به خصوص در صندوق های بازنشستگی بیشتر یاری خواهد رساند.

شیر محمدی؛ البته این افزایش سن باید منطقی باشد. همانطور که دکتر تقوی به‌خوبی عنوان کردند، نیروی کار به‌خوبی می‌تواند تشخیص دهد که تا چه زمانی می‌تواند کار کند. سن منطقی نباید از ۵۱ یا ۵۲ سال پایین تر باشد. در مورد کارکنان دولت، مقررات به گونه‌ای تعریف شده است که دستگاه می‌تواند فردی را که به ۳۰ سال سابقه رسیده بازنشسته کند.

تقوی؛ البته قانون گفته است «می‌تواند» و اجباری در کار نیست. **شیر محمدی**؛ بله. همین طور است. افرادی وجود دارند که در دستگاه‌ها بازنشسته می‌شوند اما در عین حال می‌دانند که توانایی بالایی دارند و بازدهی و پختگی شان به اندازه‌ای است که می‌توانند بهتر خدمت کنند. در این موقعیت، افراد بر خلاف میل باطنی خود بازنشسته می‌شوند. قوانین باید به گونه‌ای تعریف شوند که افراد به اجبار کنار روند و نتوان از تجربه و دانش را آن‌ها استفاده کرد. یعنی تمایل افراد به ادامه کار تحت‌الشعاع قوانین و اختیارات دستگاه‌ها قرار نگیرد. در حال حاضر قوانین به گونه‌ای نوشته شده که کارفرمایان یا دستگاه‌ها به ناچار برای اصلاح ساختار و جایگزینی نیروهای جوان افراد را بازنشسته می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت برای سروسامان دادن به وضعیت کنونی، همه چیز از رهگذر اصلاح قوانین مربوط به سن بازنشستگی می‌گذرد. **تقوی**؛ نکته‌ای که باید اضافه کنم این است که دولت باید سیاست‌هایی را به اجرا بگذارد که اقتصاد را رشد دهد. برخی سیاست‌هایی که در اقتصاد ایران تدوین و اجرا می‌شود با واقعیت‌های

اقتصادی و اجتماعی و ظرفیت‌های کشور هماهنگی ندارد. اگر این سیاست‌ها به درستی اعمال می‌شدند اقتصاد در تمام این سال‌ها جهش می‌یافت و در کنار افزایش درآمدهای نفتی هیچ کدام از این مشکلات را نداشتیم. یعنی نیازی نبوده به خاطر اشتغال، به نادرست‌نروهای باتجربه را از میدان کار به در کنیم و یا سن بازنشستگی در کشور پایین بیاید. به هر حال طی این سال‌ها به اشتباه و با تصویب قوانینی مانند نوسازی صنایع و یا قانون مشاغل سخت و زیان آور بنا داشتیم مشکل نیروی کار را حل کنیم اما همین سیاست‌های نادرست باعث افزایش بیکاری شده و از طرفی هم صندوق‌های بیمه‌ای را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. ۴ درصد رشد منفی به معنای بیکاری ۴ درصد نیروی شاغل است و این معضل را نمی‌توان با کنار گذاشتن نیروی کار باتجربه جبران کرد. از آن سو هم وقتی رشد منفی باشد، نیروی کار جدیدی جذب نمی‌شود و بحران تنها نصیب بخش‌های مختلف اقتصاد کشور می‌شود. تصمیماتی که برای سرمایه‌گذاری منابع گرفته می‌شود، بسیار مهم است. بازدهی که از طریق این سرمایه‌گذاری‌ها به دست می‌آید و وارد صندوق‌ها می‌شود، به دولت‌ها هم مربوط می‌شود. اگر سیاست‌های دولت کارشناسی شده و علمی نباشند، اقتصاد کشور ورشکست و این ورشکستگی شامل حال صندوق‌ها هم می‌شود. بنابراین اگر سیاست‌های اصولی اقتصادی اعمال شود، نرخ رشد بالا برود و نرخ تورم پایین بیاید، منابع صندوق‌ها گسترش پیدا می‌کند.

■ فرض کنیم بنا به شرایطی، فردی در موقعیتی که هنوز بهره‌وری بالایی دارد و دتر از موعد بازنشسته نشود و مستمری در یافت کند و با بازگشت مجدد و غیر رسمی به کار سابق و یا مشاغل دیگر، از حقوق و مزایای آنجا هم بهره‌برد. این گونه اقدامات، که بسیار هم شایع است، چقدر با عدالت اجتماعی و حتی رویکرد اخلاقی سازگار است؟

یزدانی؛ یکی از تأثیرات این رفتار بر روی بهره‌وری نیروی کار است، از سویی هم نوعی توزیع درآمد اتفاق می‌افتد. یعنی این فرد از حوزه‌ای که در آن مشارکت اجتماعی داشته کنار رفته و از مزایای آن هم مطابق قانون استفاده می‌کند. از سویی دیگر وارد حوزه اشتغال و تولید نیز می‌شود. او حق بیمه پرداخت نمی‌کند چون بیمه‌ها اساس بر مبنای اشتغال هستند. یعنی این فرد فرصت مشارکت خود را از دست داده است. اگر از لحاظ اخلاقی اجتماعی نگاه کنیم آسیب‌هایی وارد می‌شود. از طرف دیگر او با وجود توان بالای کار کردن به دلیل خطای قانونی در کشور، که سن بازنشستگی را پایین آورده، از کار رسمی محروم می‌شود و مخاطره اجتماعی بروز پیدا می‌کند. طبیعتاً از آن سو هم بر اشتغال نیروی کار جوان تأثیر می‌گذارد. این نیروها چون ارزان تر هستند در توزیع درآمد بین نیروی کار و صاحبان سرمایه نیز تأثیر می‌گذارند، چون اگر حتی حداقل دستمز در پرداخت شود، باز هم ۳۰ درصد به سود آن‌ها خواهد بود. بنابراین هر دو طرف سود مادی می‌برند، اما مسئله این است که در حوزه اجتماعی تأثیراتی جانبی و سوء بر جای می‌گذارد. **شیر محمدی**؛ این وضعیت به طور مستقیم ضربه‌ای اقتصادی به صندوق‌ها وارد می‌کند. بسیاری از افرادی که بازنشسته می‌شوند، به گونه‌ای دیگر در همان دستگاه مشغول به کار هستند. این افراد با وجود اینکه حقوق دریافت می‌کنند، هیچ گونه خزینه‌های به صندوق نمی‌پردازند و مشارکتی در آن ندارند. کسی که در سن پایین بازنشسته می‌شود و به هر طریقی در دستگاه دولتی به طور غیر رسمی اشتغال دارد، جای نیروی جوان و جوانی کار را هم گرفته است.

■ یعنی با وجود اینکه اعتقاد بر این است که افزایش سن بازنشستگی آمار بیکاری را بالا می‌برد، درواقع اگر سن بازنشستگی پایین هم باشد، این اتفاق می‌افتد؟

شیر محمدی؛ بله چون واقعیت این است که بسیاری از بازنشستگان بنا به دلایل بسیار هنوز در شغل سابق خود حضور دارند و بنابراین باز

نبودن فضا برای نیروی کار جوان، عملا تأثیری در آمار بیکاری و اشتغال نخواهد داشت. این در حالی است که اگر سن بازنشستگی بالا باشد و یا بازنشستگی‌های پیش از موعد وجود نداشته باشد، با بالا رفتن سن، تمایل به کار هم در میان این افراد فروکش می‌کند و در بلندمدت فضا برای نیروی کار جوان مهیا می‌شود.

■ در بسیاری از کشورها سن بازنشستگی از طریق شاخص امید به زندگی تعیین می‌شود. در کشور ما اتفاقی که افتاده این است که نسبت پشتیبانی سال‌به‌سال کاهش یافته است. حال سوال این است که در میان سیاست‌های رونق اشتغال و توسعه اقتصادی و شاخص امید به زندگی، اولویت با کدام است؟ به عبارت دقیق‌تر در سیاست‌های رونق اشتغال، که به افزایش ورودی‌های صندوق‌های بازنشستگی می‌انجامد، هر چقدر سن بازنشستگی پایین باشد، باز هم چرخه ورودی‌ها و خروجی‌ها ادامه دارد و تعداد بیمه‌پردازان بالاتر است و نسبت پشتیبانی هم پایین نمی‌آید. از آن سو هم آمارها حاکی از فعالیت بسیاری از بازنشستگان در بازارهای غیر رسمی و کاذب است که البته تبعات اجتماعی خاص خود را دارد. به نظر شما میان این دو شاخص کدام یک می‌تواند صندوق‌ها را به جایگاهی برساند که تعادل و امنیت اجتماعی را حفظ و افزایش دهد؟

یزدانی؛ تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که سیاست‌های اشتغال چندان نمی‌توانند جوابگو باشند. یعنی بازنشستگی‌های پیش از موعد توانسته در رونق اشتغال موثر باشد. دست‌کم مطالعات مدونی در این خصوص انجام نشده و بیشتر نوعی مستمک است. اما به اعتقاد من شاخص امید به زندگی بحث مهمی است، چون در حال حاضر شخصی که ۶۰ سال در ارد دیگر مسن نیست بلکه میانسال محسوب می‌شود. امروزه افراد دارای ۸۰ یا ۹۰ سال سن در جامعه وضعیت خوبی دارند. منظور کار کردن نیست، بلکه بحث این است که نگاه اجتماعی به افراد مسن تغییر کرده است. اتحادیه بین‌المللی رفد سالمند لزوماً نباید در گوشه‌ای بنشیند، بلکه می‌تواند نقش مهمی در تولید داشته باشد. در بسیاری از حوزه‌ها می‌تواند به کار گرفته شود. به مشاور بودن یکی از عمده‌ترین آن‌ها است. به گمان من امید به زندگی خیلی مهم است و دیدگاه‌های اشتغال محور اساسا سیاستی شکست‌خورده است و در عمل و اجرانیز این مسئله اثبات شده است. اگر بپذیریم که افزایش سن بازنشستگی یک ضرورت است، به نظر می‌رسد باید در وهله اول قوانین دست‌وپاگیر این حوزه را، که عاملی در بازنشستگی‌های پیش از موعد است، اصلاح کنیم. عده‌ای معتقدند قوانینی مانند قانون نوسازی صنایع، که قرار بود سه‌ساله اجرا شود ولی در حال حاضر دائمی شده، اگر برداشته شوند، سن بازنشستگی نیز به حالت معمول خود برمی‌گردد و تعداد ورودی‌های سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی افزایش خواهد یافت.

■ این اقدامات نیازمند تغییر نگاه اجتماعی مردم به سن بازنشستگی است. در این خصوص چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ مثلاً یکی از پیشنهادها افزایش پلکانی سن



کتیو | ۰۹

بازنشستگی است.

یزدانی؛ این موضوع به بحث‌های اقناعی زیادی در عرصه اجتماعی نیاز دارد. ما به طور طبیعی خواستار این هستیم که زودتر بازنشسته شویم اما بحثی اجتماعی در پشت آن وجود دارد که باید بسیار پررنگ‌تر شود. یعنی مردم باید دریابند زمانی که از سن بازنشستگی صحبت می‌کنیم، منظور آینده فرزندان، سرنوشت نسل‌های آینده کشور، ماندگاری صندوق‌ها و... است.

■ این وضعیت در بازنشستگی‌های معمول با شرایط سنی و سابقه مشخص چگونه است؟ اینکه فرد یا ۳۰ سال سابقه بازنشسته شود، می‌تواند به این وضعیت دامن برزند؟

شیر محمدی؛ ۳۰ سال سابقه هم یکی از شرایط بازنشستگی است که در کشور ما وجود دارد. اما تعداد افرادی که در این شرایط بازنشسته

می‌شوند در برابر افرادی که پیش از موعد بازنشسته می‌شوند قابل تامل است. ما اعتقاد داریم به بازنشستگی باید براساس سن توجه شود. یعنی علاوه بر سابقه خدمت ۳۰ سال، باید شرایط سنی بازنشستگی هم موردبازبینی قرار بگیرد. میانگین سنی فعلی متناسب با وضعیت صندوق‌ها نیست. به همین دلیل این سن باید به وضعیتی

تعریف شود که بازنشستگی تا سرحد امکان به تأخیر بیفتد و یا افراد در شرایط بازنشسته شوند که استفاده آن‌ها از مزایای بازنشستگی منطقی باشد. درواقع نرخ امید به زندگی مهم‌ترین شاخص در تعیین سن بازنشستگی است. **یزدانی**؛ سن بازنشستگی متناسب و منطقی در توسعه صندوق‌های بازنشستگی هم نقشی منطقی ایفا می‌کند. منتقدان می‌گویند صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و به‌خصوص سازمان تامین اجتماعی سواری مجانی به دیگران می‌دهند و افراد به‌را یگان از این خدمات استفاده می‌کنند. قبل از انقلاب ۳۵ سال ملاک محاسبه بود. یعنی فرمول این گونه بود که تعداد سال سابقه بر عدد ۳۵ تقسیم می‌شد. بعد از انقلاب ۳۵ سال به ۳۰ سال تغییر یافت و ثابت ماند. اینجاست که می‌توان از نقش توسعه‌ای تامین اجتماعی در فرایند تولید و توسعه کشور صحبت کرد. افزایش سن بازنشستگی می‌تواند نقش توسعه‌ای تامین اجتماعی را پررنگ کند. نکته بعدی این است که صندوق‌های بازنشستگی چارهای ندارند جز اصلاحات پارامتریک.

■ آقای یزدانی، با توجه به اینکه شما دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی راهبردی سازمان تامین اجتماعی هستید و سازمان هم کار گروهی را در خصوص برنامه ششم توسعه تشکیل داده بود، چه اقداماتی در خصوص سن بازنشستگی مطرح شده است؟

یزدانی؛ سازمان تامین اجتماعی کمیته‌ای در خصوص برنامه ششم توسعه تشکیل دادو کتابی هم در رابطه با بررسی قوانین تامین اجتماعی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه زمینه‌متنشر کرده‌است. اقدامات وسیعی انجام گرفته و پیشنهادهایی در این خصوص مطرح شده است. ما باید دو مسئله را از همدیگر جدا کنیم. ابتدا باید قوانین را اصلاح کنیم. گام بعدی هم این است که اصلاحاتی انجام دهیم و سن را افزایش دهیم که به حوزه اصلاحات پارامتریک برمی‌گردد. این هر دو در احکام پیشنهادی سازمان تامین اجتماعی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه شده است.

ندای نزدیک

مسئله بازنشستگی در برنامه ششم توسعه به عنوان یک حکم خاص مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر موضوع صندوق‌های بازنشستگی و پیشنهاد توجه به شرایط آن‌ها که در این برنامه گنجانده شده، اصلاحات پارامتریک هم از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در قالب اصلاح قانون مدیریت خدمات

کشوری مطرح شده است.

گفتگو

روایت ابوتراب فیضی

از یک استفتاء



واکنش‌ها به طرح تجمیع بیمه‌های درمان همچنان ادامه دارد. در حالی که در پی نشست وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به همراه مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، امیدها به نزدیک شدن دیدگاه‌های مسئولان در این زمینه بیشتر شده، بسیاری از مسئولان و کارشناسان حوزه رفاه و تامین اجتماعی درباره تبعات احتمالی چنین تصمیمی هشدار داده‌اند. در این زمینه یکی از پیشکسوتان بیمه‌پردازان سازمان تامین اجتماعی راسا به وزیر محترم بهداشت نامه نوشت و مراتب نگرانی خود را از چنین تصمیمی با دکتر قاضی‌زاده هاشمی در میان گذاشت. ابوتراب فیضی از استدلال‌های خود در این نامه به آتی‌هو می‌گوید و اشاره می‌کند که حتی حضرت آیت‌الله بهجت هم پیش از رحلت، در پاسخ به استفتای اموال سازمان تامین اجتماعی را حق الناس اعلام کردند و با توجه به چنین فتوایی، ادغام از نظر شرعی جایز نیست.

■ آقای فیضی، شما به وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نامه نوشته‌اید. چه ضرورتی احساس کردید که چنین نامه‌ای را نوشتید؟

بر اساس مقاوله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و استانداردهای جهانی اتحادیه بین‌المللی تامین اجتماعی یکی از حقوق بنیادین کارگران استفاده از خدمات رایگان درمانی است که عموماً هم در حیطه وظایف و اختیارات سازمان‌های بیمه‌گر است. به همین دلایل بود که در ابتدای شکل‌گیری بیمه‌های اجباری، درمان بیمه‌شدگان بر عهده سازمان تامین اجتماعی گذاشته شد. از همان زمان عملیات احداث و بهره‌برداری از بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های سرپایی سازمان از محل منابع سازمان صورت می‌گیرد. فروش بیمه‌ای کرد که سازمان تامین اجتماعی یک سازمان عمومی غیردولتی است که در طول سالیان دراز فعالیت آن، ده‌ها قانون حمایتی بدون توجه به ماموریت‌های بیمه‌ای این سازمان به تصویب رسیده که بار مالی فراوانی به این سازمان تحمیل کرده است. بر همین اساس و به دلیل خطری که اقشار کارگری و بازنشستگی احساس می‌کردند به وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نامه نوشتم.

■ استدلال‌های شما در حق نامه بیشتر

معطوف به چه چیزی بوده است؟

من در بخشی از این نامه نوشتم که اجرای عدالت در مورد توزیع درآمد اقشار مختلف جامعه یک اصل پذیرفته شده است. حداقل حقوق برای یک خانواده در ماه ۷۰۰ هزار تومان است. این در حالی است که درآمد یک پزشک متخصص جراح در یک واحد درمانی گاه چندین و چند برابر حداقل حقوق یک بیمه‌شده است. اما گویا برخی بنا دارند با حق بیمه‌های بیمه‌شدگان و مستمری‌گیران سازمان تامین اجتماعی هزینه‌های طرح تحول نظام سلامت را تأمین کنند. اعتقاد داریم بیش از ظرفیت‌مان در این طرح ملی مشارکت داشته‌ایم. واقعیت این است که هزینه اجرای بیمه سلامت برای افراد بی‌بضاعت و فاقد بیمه بر عهده دولت است. بنابراین درخواست وزارت بهداشت برای ادغام بخش درمانی تامین اجتماعی، که برآمده از حقوق کارگران است، درخواستی منطقی به نظر نمی‌رسد.

■ به استفتاء از مرحوم حضرت آیت‌الله بهجت اشاره کردید. اشاره این فتوا به طور مشخص به چه مواردی بوده است؟

منابع و سرمایه‌های سازمان تامین اجتماعی حق الناس است و برای پرداخت حقوق و مستمری‌ها در نظر گرفته شده است. در استفتایی که در زمان حیات آیت‌الله بهجت از ایشان صورت گرفت، اعلام کرده بودیم که حقوق و مستمری بازنشستگان به عنوان سهامداران این سازمان متناسب با میزان مشارکت آن‌ها و سنوات بیمه‌پردازی مشخص می‌شود که به معنای حق الناس بودن این اموال است. در این استفتاء از ایشان پرسیدیم آیا مطابق شرع است که نهاد دولت سالانه هزاران میلیارد تومان از دارایی و حق الناس را نزد خود نگه دارد و از پرداخت آن تحت عناوین مختلف خودداری کند. مرحوم آیت‌الله بهجت هم در پاسخ فرمودند: «موال سازمان با فرض اینکه به صورت مشروع از کارفرما گرفته شده باشد، محترم است و تعلل در ادای آن یا واگذاری‌اش به دیگری جایز نیست». روشن است که مرحوم آیت‌الله بهجت توجه به حق الناس بودن اموال سازمان تامین اجتماعی چنین حکمی صادر کرده‌اند و به نظر می‌رسد در این صورت ادغام هم نمی‌تواند از نظر شرعی درست باشد.

